

بازآفرینی تصویر ذهنی شهر بجنورد در دوره قاجار با رویکرد فرهنگی^۱احد نژاد ابراهیمی^۲عاطفه صداقتی^۳

چکیده

اهمیت توجه به تاریخ در ادوار مختلف و نحوه اثرگذاری فرهنگ بر توسعه شهرها لازمه‌ی شناخت هر شهر و تداوم فرهنگی آن است. شهر بجنورد در دوره قاجار براساس جریان‌های فرهنگی، تحولات خاص مؤثر بر ساختار شهر را طی یک قرن و نیم تجربه کرده است. تحقیق حاضر با اتخاذ راهبرد «پژوهش پس-کاوی» سعی دارد تصویری ذهنی از ساختار شهر قاجاریه‌ی بجنورد براساس رویکرد تاریخی- فرهنگی بر مبنای تمامی سطوح اجتماعی بیابد. برای نیل به این هدف، تصویر ذهنی از شهر بجنورد در دوره قاجاریه براساس اسناد و مدارک مکتوب و تاریخی تدوین می‌شود. رویکرد فرهنگی پژوهش به تاریخ شهر یک نوآوری تاریخی است و شناخت آن می‌تواند سبب عمق بخشیدن به درک ما از تحولات تاریخی و کالبدی شهر شود. روش پس‌کاوی مطالعات اذعان دارد که همه‌ی قواعد اجتماعی در بستر وسیع‌تری از فرآیندهای اجتماعی و لایه‌های متفاوت از واقعیت اجتماعی قرار دارند. برای یافتن طرح مدل فرضی از این لایه‌ها از روش ساختاردهی ذهنی «اپلیارد»- به‌طور خاص شیوه‌ی موقعیت‌شناختی- استفاده شده است. بر مبنای این روش، عناصر اصلی شکل‌دهنده‌ی ساختار شهر بجنورد در دوره قاجاریه بازآفرینی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در تبیین فرهنگی فضاها‌ی شهری مهم قاجاری خیابان، عمارت و باغ به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل شکل‌دهی به کنش‌های شهری و بستر ساختاردهنده شهر بوده است. همچنین، باغ و عمارت به‌عنوان بنیان فرهنگی خاندان شادلو و اقوام ساکن در شهر بجنورد نشانگر هویت فرهنگی شهر بوده است. این سه مؤلفه در شکل‌گیری فرم کالبدی و فرهنگ شهر مؤثر بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: بجنورد، شهر، ساختار، کالبد، اپلیارد، قاجار، بازآفرینی، فرهنگی.

۱. این مقاله از دروس دوره دکتری شهرسازی اسلامی در دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز استخراج شده است.

۲. دانشیار دانشکده‌ی معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده‌ی مسئول) Ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز sedaghati@tabriziau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۴

مقدمه

شهر بجنورد به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی، مرکزیت ناحیه‌ای و محل تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اداری و فرهنگی منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این شهر در تاریخ پرفرازونشیب خراسان شمالی فرازوفرودهای متعددی داشته است؛ اما در دوران قاجار - به‌طور خاص در دوران حکومت فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه - دوره‌ای تأثیرگذار بر کالبد خود را سپری کرده است. در سال ۱۲۶۳ق/ ۱۸۴۷م با فتنه‌ی سالار شهر تقریباً به کلی ویران شد؛ اما رونق و آبادانی دوباره‌ی شهر بجنورد با مرکزیت یافتن در شمال شرق ایران در زمان حکومت سردار مفخم، همزمان با ناصرالدین‌شاه قاجار، سبب شد تا شهر بجنورد در پهنه‌ی تاریخ در عصر قاجار مطرح شده و شهر مهم و تأثیرگذاری محسوب شود.

در دوران قاجار روابط سیاسی با کشورهای غربی خوب بود و سران مملکتی و ثروتمندان به این کشورها رفت‌وآمد می‌کردند. از لحاظ فرهنگی، اهمیت زیادی به سنت و هویت گذشته داده نمی‌شد و از لحاظ اجتماعی، فاصله‌ی طبقاتی میان مردم زیاد بود. قشر مرفه جامعه پس از مسافرت به کشورهای غربی آنچه را از معماری آن‌ها می‌پسندیدند انتخاب می‌کردند و در عمارت‌های خود به کار می‌بردند. این سبب می‌شد که تلفیقی از معماری غربی و سنتی ایران به وقوع پیوندد (صنیعی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۶). در همان حال، معماری قاجاریه اصول و مبانی الگوهای قدیم معماری ایران را همراه با معماری غربی ارتقا بخشید و نوآوری‌هایی از نظر فضا به وجود آورد. در دوره‌ی حکومت ناصرالدین‌شاه قاجار تحولات و جریانات نوگرایی که در جامعه آغاز شده بود جلوه‌ی بارزتر و دامنه‌ی گسترده‌تری پیدا کرد (قبادیان، ۱۳۸۳: ۲۴۰). از این دوره‌ی تاریخی سفرنامه‌هایی از سیاحان در مورد شهر بجنورد وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها سفرنامه‌ی کلنل مک‌گریگر^۱ (۱۸۷۵ میلادی) و سفرنامه‌ی اعتمادالسلطنه (۱۳۰۱ قمری) است. این دو سفرنامه اطلاعات کالبدی نسبتاً دقیقی از شهر بجنورد در زمان سفر مؤلفین خود ارائه می‌دهند. درعین حال، سفر اول ناصرالدین‌شاه (۱۲۸۶ قمری) و سفر دوم وی (۱۳۰۰ قمری) نیز تا حدودی اطلاعات مناسبی از شهر بجنورد مطرح کرده است.

سایر منابع تاریخ‌نگارانه‌ی در دسترس از این دوره‌ی شهر بجنورد بیشتر محتوای فرهنگی و اجتماعی دارند؛ نظیر سفرنامه‌ی فریزر^۲ که تقریباً هم‌دوره با حکومت ناصرالدین‌شاه انجام شده است و شرایط فرهنگی و

^۱. Mac Gragor

^۲. Fraser

اجتماعی شهر بجنورد را با بیان چند عنصر کالبدی مهم شهر توصیف می‌کند. سفرنامه‌ی بارنز^۱ در زمان فتحعلی‌شاه قاجار نیز اطلاعاتی راجع به اوضاع اجتماعی بجنورد در دوره‌ی یادشده ارائه می‌دهد. بااین حال درباره‌ی ساختار شهر در دوره‌ی قاجاریه پژوهش‌های زیادی انجام نشده و ساختار تاریخی شهر در بین پژوهشگران تاریخ شهر چندان اهمیت نیافته و آنچه انجام شده صرفاً توصیفی از بناهای شاخص دوره‌ی قاجار بدون در نظر گرفتن ارتباطات شهری و دلایل این ارتباط است.

پژوهش‌های مرتبط با موضوع در شهر بجنورد بیشتر ماهیت توصیفی از دوره‌های تاریخی شهر دارند. صادقی (۱۳۷۱) درباره‌ی جغرافیای شهرستان بجنورد پژوهش کرده است. سیدی‌زاده و عباسیان (۱۳۷۲) قدمت بجنورد را بیش از آن چیزی که اعتمادالسلطنه اشاره می‌کند (حداکثر ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال) می‌دانند. در این پژوهش محققان با اذعان به عدم وجود منابع زیاد و کافی در مورد بجنورد با پرس‌وجو از افراد مطلع و سالخوردگان بجنوردی به مشاهده‌ی مستقیم آثار و ثبت و ضبط آن‌ها پرداخته‌اند. بازخانه‌ای (۱۳۸۳) بجنورد را مرکز جاذبه‌ی خراسان شمالی می‌داند. متولی (۱۳۸۷) ضمن بیان کامل از وجه تسمیه شهر بجنورد، ادوار تاریخی مختلف را پیش می‌کند. انصاری‌مود و معصومی (۱۳۸۹) هویت جغرافیایی، کالبدی و اقتصادی شهر را توصیف می‌کنند؛ هویتی که ریشه در وفاق مذهب، قومیت و طبیعت این دشت کهن دارد. مقالات مرتبط با موضوع تحقیق که به صورت موشکافانه شهرسازی دوران قاجار در شهر بجنورد را واکاوی کنند و علل آن را تبیین نمایند وجود ندارد؛ اما صنیعی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) با نگاه صرفاً معمارانه، معماری سنتی دوره‌ی قاجار را در عمارت دارالحکومه‌ی مفخم شهر بجنورد بررسی کردند و به این نتیجه می‌رسند که با وجود برخی تأثیرگذاری‌های معماری غرب در دوران قاجار، همچنان معماری این عمارت بر پایه‌ی اصول بنیادین معماری ایرانی - اسلامی استوار بوده است. برخی از پژوهش‌ها نظیر آنچه صنیعی‌پور و همکاران انجام داده‌اند، صرفاً بنای مفخم را مطمح نظر قرار داده‌اند. از آن جمله، طالب‌زاده (۱۳۸۶)، مظفری (۱۳۸۶)، مهدویان (۱۳۸۷)، سهیلی (۱۳۹۰) و گلزار (۱۳۹۶) است که تزیینات و الحاقات بنا را صرفاً در همین مجموعه‌ی تاریخی بررسی کرده‌اند.

هدف پژوهش حاضر یافتن تصویری ذهنی از ساختار شهر قاجاریه‌ی بجنورد با رویکرد تاریخی - فرهنگی با در نظر گرفتن تمامی سطوح اجتماعی بر مبنای مطالعات فرهنگی خواهد بود. سؤالات اصلی که در نوشتار حاضر پژوهشگران واکاوی نموده‌اند، عبارت‌اند از:

^۱. Burnes

-ساختار و کالبد شهر بجنورد در دوره‌ی قاجاریه چه بوده است و فضاهای شهری آن چه ارتباطی با هم داشته-
اند؟

-سازمان کالبدی شهر بر چه مبنایی شکل گرفته و تحول یافته است و نقش فرهنگ در این موضوع چه بوده
است؟

ساختار، فرم، شکل و کالبد شهر واژگان مفهومی متفاوتی درباره‌ی شهر هستند که ضمن اشتراک در پاره‌ای
خصیصه‌ها، معانی نظری مختلفی را دربرمی‌گیرند. درعین حال، فرهنگ شهر بر شکل‌گیری تمامی موارد فوق
مؤثر است. بسیاری از اندیشمندان صاحب‌نظر کیفیت‌های کالبدی را در شکل‌دهی به عناصر پیش‌گفته مؤثر
دانسته‌اند؛ حال آنکه دونالد اپلیارد (Donald Appleyard) تعبیر جدیدی ارائه می‌دهد.

فرم شهر نتیجه‌ی گرد هم آمدن مفاهیم و عناصر متعددی از ساختار شهر است؛ عناصری که شکل را نیز
دربرمی‌گیرد (نیک‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۷). واژه‌های فرم و شکل هم‌معنی تلقی می‌شوند؛ اما فاصله‌ی
زیادی میان این دو مفهوم وجود دارد. فرم، مجموعه‌ی طرح‌بندی، تراکم، مقیاس، ظاهر و چشم‌انداز توسعه
تعریف شده است (Cowan, 2007: 143). شکل، ابزاری برای بیان بصری است. تاریخ شهر درواقع تاریخ
فرم شهر است که ناشی از نگرش به مقولاتی مانند ارزش‌ها، خدا و انسان است (دانش‌پور، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۳).
فرم شهر حاصل تعامل میان نیروها و عوامل سازنده‌ی آن است (پیربابایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۲). این به آن
معناست که در تعامل و در ارتباطی دوسویه بین عوامل مختلف سازنده‌ی شهرها، فرم‌ها پدید می‌آیند و درواقع،
فرم نمادی از آن عوامل سازنده است که فرهنگ، ایدئولوژی و جهان‌بینی افراد را نشان می‌دهد. کوئن (Cohen)
فرهنگ را به شیوه‌ای از زندگی اطلاق می‌کند که اعضای یک جامعه آن را فرامی‌گیرند و به آن عمل می‌کنند
(شرف‌الدین و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۳).

فرهنگ شهر در دوره‌هایی از تاریخ از سویی شکل‌دهنده به شهر و از سوی دیگر متأثر از وضعیت شهر بوده
است. بنابراین، فرهنگ هر شهر هم محل تجلی شهر است و هم شامل حال‌وهوا و فضای معنایی است که
شهر در درون آن توسعه و تحول می‌یابد. ازاین‌رو، راهبرد اساسی برای شناسایی فرهنگ شهری توجه به انواع
یا اشکال گوناگون شهر در طول تاریخ است (پیربابایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۳؛ فاضلی، ۱۳۹۲: ۶۵).

دیوید کرین (David Crane)، پیتر بیوکانن (Peter Buchanan) و جان لنگ (Jan Lang) در شناسایی
ساختار اصلی شهر و کوین لینچ (Kevin Lynch) در تشخیص ساختار شهر فقط کیفیت‌های کالبدی را
مطمح نظر قرار می‌دهند؛ اما اپلیارد به معنای محیط نیز توجه می‌کند. اپلیارد در تلاش برای توجه به این جنبه

کار لاینچ را بسط داده و چهار طبقه را شناسایی می‌کند که به واسطه‌ی آن‌ها بناها و سایر عناصر محیطی شناخته می‌شوند: ۱- با قابلیت مصور شدن ذهنی یا تمایز صورت آن‌ها؛ ۲- با قابلیت مشاهده‌ی آن‌ها وقتی مردم در شهر گردش می‌کنند؛ ۳- با نقش آن‌ها به‌عنوان قرارگاه فعالیت شخصی، محل استفاده و سایر رفتارها؛ ۴- با اهمیت نقش بنا در جامعه.

وی با مطرح کردن نقش بنا و فضا به‌عنوان قرارگاه فعالیت و یا نقشی که در جامعه دارند از جنبه‌های کالبدی آن‌ها فراتر می‌رود و به معنایی که افراد برای بناها و فضاها قائل‌اند اشاره می‌کند (اهری، ۱۳۹۴: ۲۵). اپلیارد دریافت در مجموع سه روش اصلی در ساختاردهی ذهنی به شهر و برقراری پیوند میان اجزای آن وجود دارد: ۱- شیوه‌ی تداعی‌گرایانه (Associational)؛ ۲- شیوه‌ی موضع‌شناختی (Topological)؛ ۳- شیوه‌ی موقعیت‌شناختی (موقعیت‌مدارانه یا Positional). طبق تعریف اپلیارد شیوه‌ی تداعی‌گرایانه به توانایی فرد در تفاوت‌گذاری میان اجزای شهر و سازماندهی کردن آن‌ها در گروه‌ها و الگوهای گوناگون بستگی دارد. این اجزا می‌توانند عناصر سکانشی یا فضایی باشند که بر پایه‌ی معیارهایی چون ویژگی‌های فیزیکی، گونه‌های کارکردی و یا گروه‌های اجتماعی از هم بازشناخته شوند.

در شیوه‌ی موضع‌شناختی، تجسم شهر یکسره به وجود «تداوم» میان عناصر و اجزای آن بستگی دارد. یعنی پیوستگی در سازمان عناصر سکانشی، پیوستگی در فرم و حرکت و وجود سیستم پیوسته‌ای از نمادها و نقاط اتصال قابل دید. هرگونه شکست یا ناهم‌سویی در پیوستگی و تداوم به اختلال این‌گونه ساختار می‌انجامد؛ اما ساختار موقعیت‌شناختی بر پایه‌ی احساس فرد از فاصله و جهتی که با عناصر و اجزای اصلی شهر دارد شکل می‌گیرد. حتی اگر فرد دقیقاً نداند که برای رسیدن از عنصری به عنصر دیگر باید چه راهی را طی کند و احساسی کلی از الگوی شهر نیز نداشته باشد.

بدین شیوه، چنین ساختاری عناصری را دربرمی‌گیرد که نسبت به هم جهت‌گیری واضحی دارند. این ساختار بیشتر به عوامل محیطی وابسته است مانند: ثبات جهت، وضوح تغییر جهت‌ها، قابلیت رؤیت زیاد و ثبات مقیاس. اپلیارد بر این پایه شهرهایی را که خیابان‌های به‌هم پیوسته دارند؛ اما به هم دید ندارند (مثل پاریس دوره‌ی هوسمان) بیشتر دارای ساختاری «موضع‌شناختی» می‌داند. از سوی دیگر، شهرهایی را که دارای ساختار شطرنجی (شبکه‌ای) هستند «موقعیت‌شناختی» می‌داند و شهرهای ناپیوسته با بخش‌های متفاوت و قابل تمایز (مانند بوستن Boston) را «تداعی‌گرایانه» می‌خواند. باین‌حال، یادآور می‌شود که بیشتر شهرها جنبه‌هایی از هر سه‌گونه ساختار ذهنی را به‌دست می‌دهند (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۷۴-۱۷۱).

روش پژوهش

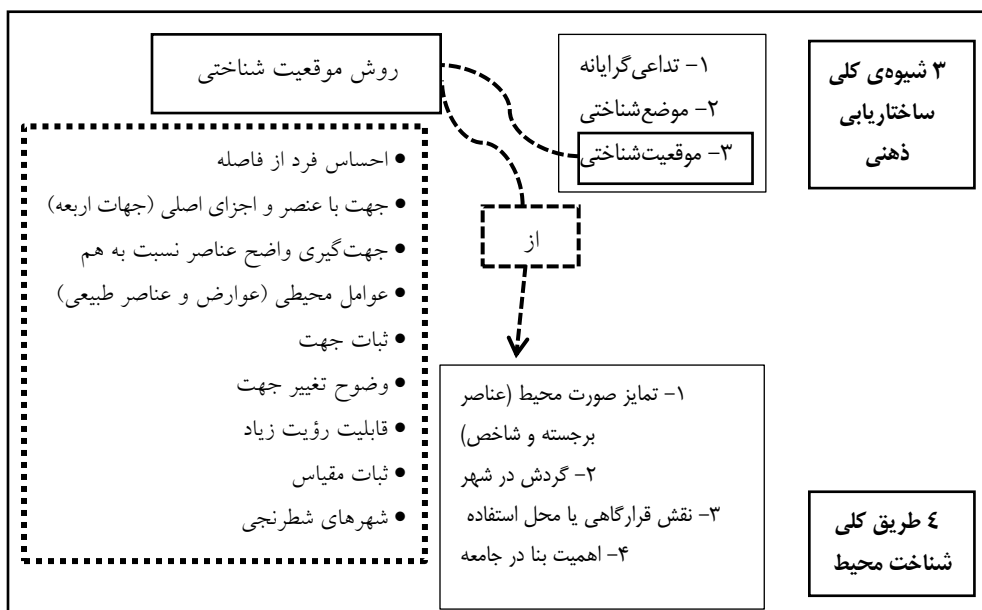
تحقیق حاضر با استفاده از راهبرد پژوهش پس‌کاوی و بهره‌بری از منطق کشف با رویکرد واقع‌گرایی انجام شده است. رویکرد واقع‌گرایانه نشان می‌دهد که علم می‌تواند جهان را - چنان‌که واقعاً هست - توصیف کند. این رویکرد در مقابل رویکرد استقرایی قرار می‌گیرد که همه چیز را برآمده از تجربه و آزمون‌پذیر می‌داند. راهبرد پژوهش پس‌کاوی از یک توالی منظم مشاهده‌شده آغاز می‌شود؛ اما در پی تبیینی متفاوت است. در این استراتژی تبیین هنگامی به دست می‌آید که ساختار یا مکانیسم زیربنایی ایجادکننده‌ی نظم مشاهده‌شده برای کشف ساختار یا مکانیسمی که قبلاً شناخته نشده است، شناسایی شود. برای دستیابی به چنین مقصودی محقق ناچار است ابتدا به طرح مدلی فرضی از نظم مشاهده‌شده بپردازد، سپس وجود آن را به اثبات برساند (بلیکی، ۱۳۹۴: ۱۱۵).

تاریخ فرهنگی نوعی شیوه‌ی تحلیل با رویکرد خاص به جامعه است که در آن تاریخ به یک ابزار و روش تحلیل و شناخت تبدیل می‌شود (فاضلی، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۱؛ پیربابایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۴). رویکرد تاریخ فرهنگی با کاربست رویکرد واقع‌گرایانه درک ما را از دگردیسی شهر عمق می‌بخشد و فرهنگ به منزله‌ی یک کل در نظر گرفته می‌شود. برای دستیابی به مفهوم تاریخی - فرهنگی شهر بجنورد در دوران قاجار ابتدا از طریق مدل اپلیارد - متأخرترین و معتبرترین شیوه‌ی بررسی ساختار شهرها - روش ساختاردهی به عناصر شهر با شیوه‌ی موقعیت‌شناختی وی، سفرنامه‌های موجود بازخوانی و تحلیل شده‌اند. با توجه به اهمیت تحقیق سعی شده است علاوه بر روش کتابخانه‌ای از روش مطالعات میدانی نیز استفاده شود. در روش میدانی با مراجعه به محدوده‌ی مطالعه، مصاحبه با ساکنین قدیمی شهر و پرس‌وجو از افراد مطلع بجنوردی و مشاهده‌ی مستقیم، ترسیم کروکی و نقشه و انطباق متن اسناد و کتب با مکان فرضی، داده‌ها تدقیق شده‌اند. در مجموع از بررسی سفرنامه‌ها و اسناد تاریخی و تطبیق با عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ شمسی استفاده شده است. با توجه به اینکه در این مطالعات، سفرنامه‌ها و کتاب‌های تاریخی در دسترس از شهر مبنای داده‌های اولیه دوره‌ی قاجار تلقی شده‌اند و در این سفرنامه‌ها افراد از همان چهار طریق شناسایی اپلیارد یعنی قابلیت مصورشدن ذهنی و تمایز صورت، قابلیت مشاهده‌ی شهر حین گردش در آن، تمایز عنصر یا فرارگاه فعالیت شخصی (محل استقرار در شهر)، محل استفاده و سایر رفتارها و نهایتاً اهمیت نقش بنا در جامعه بهره برده‌اند؛ لذا روش ساختاردهی اپلیارد برای این پژوهش مناسب تشخیص داده شده و مبنای تحقیق قرار گرفته است.

همچنین، در شیوه‌های تدوین ساختار اپلیارد به نظر می‌رسد با توجه به عوارض طبیعی پیرامون شهر و نوشته‌های موجود در سفرنامه‌ها نحوه بیان ساختار شهر بجنورد با شیوهی موقعیت‌شناختی اپلیارد و عامل‌های تشخیصی مؤثر (دیاگرام ۱) انطباق داشته باشد. این مورد پایه‌ی شناسایی عناصر اصلی شهر قاجاری بجنورد در این نوشتار است. در این پژوهش بر اساس راهبرد پژوهش پس‌کاوی و روش ساختاردهی به عناصر شهری اپلیارد در شهر بجنورد، عناصر شهری به لحاظ ویژگی‌های کالبدی (و طبیعتاً نحوه استفاده از این عناصر که تأثیر زیادی در شناسایی عناصر دارد) شناسایی و عناصر فوق در مفهوم تاریخی - فرهنگی شهر استفاده می‌شوند.

دیاگرام شماره ۱: عامل‌های شناخت ساختار شهر در شیوهی موقعیت‌شناختی اپلیارد، مأخذ: نگارندگان

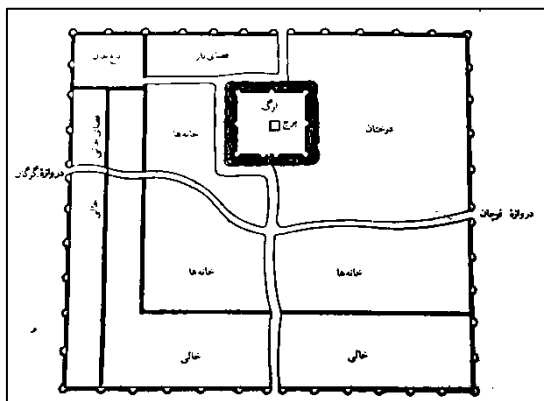
۱۳۹۷ بر اساس پاکزاد، ۱۳۹۳ / Appleyard, 1976



بحث و یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های کالبدی شهر بجنورد در دوره قاجار

تصویر شماره‌ی ۱- بجنورد در دوران قاجار ترسیم از مک‌گریگر



۱. در تحلیل محتوای سفرنامه‌های ترجمه‌شده‌ی سیاحان انگلیسی درباره‌ی ایران، مک‌گریگر در فهرست ده سیاح پراستناد قرار گرفته است (بنی‌اقبال و حیدری، ۱۳۸۸: ۱۷).
۲. در نوشتار حاضر، صنیع الدوله به‌عنوان لقب محمدحسن خان اعتمادالسلطنه مد نظر است.

جدول ۱- عناصر کالبدی شهر بجنورد در سفرنامه‌ی مک‌گریگر و صنیع‌الدوله (دوران قاجار)

عنصر کالبدی	توضیحات (مک‌گریگر)	توضیحات (صنیع‌الدوله)
ارگ حکومتی	در ضلع شمالی تپه‌ای است که شهر در اطراف آن ساخته شده و بر فراز آن اقامتگاه ایلخانی بنا نهاده شده است.	«قلعه‌ی ارگ بجنورد که حالا بقیه از آن باقیست»
برج	در تصویری که از شهر بجنورد از نمای جنوب‌غربی ترسیم می‌کند این برج قابل رؤیت است.	«دوازده برج در ضلع شرقی دارد و دوازده برج در ضلع جنوبی با دو برج طرفین دروازه‌ی قبلی و بروج طرف شمالی، برج‌های ارگست و ضلع غربی برج ندارد.»
باغ‌خان	در شمال‌غرب شهر بجنورد قرار دارد.	در شمال‌غربی شهر آن را ذکر می‌کند، باغ‌های دیگر نیز در حوالی شهر می‌باشد مثل باغ دلگشا.
دروازه‌های شهر	شهر چهار دروازه دارد. دروازه‌ی قبله، دروازه‌ی مشهد، دروازه‌ی قوچان و دروازه‌ی گرگان.	شهر چهار دروازه دارد: دروازه‌ی مشهد و دروازه‌ی قوچان و دروازه‌ی گرگان و دروازه‌ی قبله. دروازه‌ی شمالی همان دروازه‌ی قوچان است که ذکر شد. ^۱
حصار و دیوار شهر	«در چهار طرف شهر دیوار نسبتاً خوب شهر را محصور کرده است.»	«خندقی نیز دور باروی شهر حفر کرده‌اند.»
بازار	-	«بازار شهر عبارتست از یک خیابان وسیع و طولانی که تقریباً در وسط شهر و از شمال به جنوب امتداد یافته است.»
خانه‌ها	«۱۵۰۰ خانه دارد.»	«خان در ابتدای ضلع غربی شهر عمارتی عالی بنا کرده است.»
خیابان‌ها	«شهر چهار خیابان اصلی دارد.»	«خان، خیابانی وسیع با چهار جدول ساخته است.»

۱. صنیع‌الدوله در مطلع الشمس در نگارش یا جهت‌یابی دچار مشکل بوده است. دروازه‌ی قوچان در شرق شهر قرار دارد.

«این شهر یازده محله دارد ^۱ : محله‌ی تازه‌شهر، محله‌ی وسط، محله‌ی دروازه‌گران، محله‌ی مسجد حاجی محمدخان، محله‌ی سلطان، ساریان محله، سرمحله، محله‌ی دروازه قوچان، محله‌ی شیخ محمدتقی، محله‌ی حاجی ملانقی، محله‌ی حاجی ملا ابراهیم.»	-	محله
«شهر از آب رودخانه عین‌اللطیف سیراب می‌گردد. علاوه بر نهر آب و چشمه‌ها، سه رشته قنات هم در شهر بجنورد جاریست.»		نهر و قنات
«هفت باب حمام دارد.»	-	حمام
«شش باب مسجد معروف در بجنورد است.»	-	مسجد
«۵۰۶ دکان دارد.»	-	مغازهی تجاری (دکان)
«شکلاً مربع مستطیل بوده است.»	مربعی - شیبی ملایم به سمت جنوب	شکل شهر

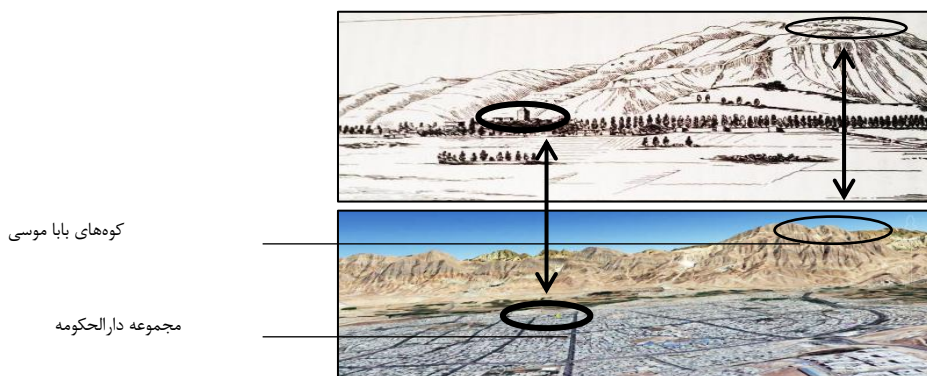
مأخذ: نگارندگان بر اساس توکلی طبسی، ۱۳۶۸ / Mac Gregor, 1875؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱: ۱۲۹-۱۴۰

اعتمادالسلطنه در مرآةالبلدان اشاره دارد که «بلده‌ی بجنورد شهری کوچک با قلعه و حصاری محکم... و بازار و حمام و مسجد و خیابانی است، راست و مسطح و عریض که ابتدای آن از دروازه‌ی ارگ تا انتهای شهر است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۷۱). هنری موزر (Henry Moser) درباره‌ی بازار شهر می‌گوید که دکان-های آن متاع روسی و انگلیسی می‌فروختند و متاع داخلی جز کفش و یک نوع پارچه چیزی نبود (موزر، ۱۳۵۶: ۲۰۶). وی مسجدی را نیز در محل ارگ فقط ذکر می‌کند؛ اما نسبت به باغ و عمارت که آن‌ها را توضیح می‌دهد، مسجد را تشریح نمی‌کند. حکیم‌الممالک نیز فقط به ذکر وجود بازار، حمام و مسجد بسنده کرده است (حکیم‌الممالک، ۱۳۵۶: ۳۴۸) و به نظر می‌رسد این عناصر وجه بارز و برجسته‌ای برای تشریح بیشتر نداشته‌اند.

۱. نام این محلات صرفاً در این کتاب آورده شده است و سایر کتب فقط به ذکر این نام‌ها بسنده کرده‌اند. هیچ حدود یا نقطه‌ی کانونی از این محلات بجز ساریان محله که به نظر هسته‌ی تاریخی و اولیه‌ی شهر را در بر می‌گیرد، وجود ندارد.

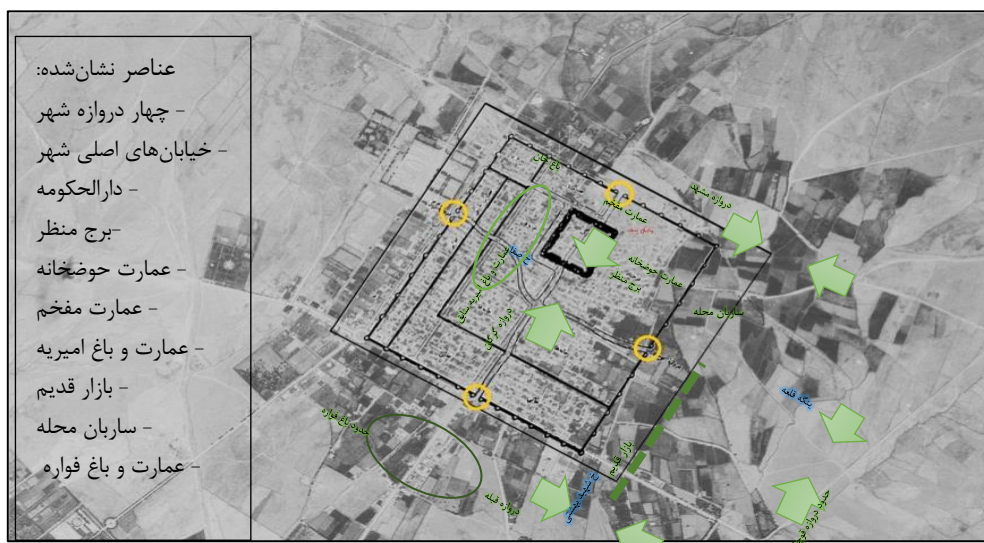
بازآفرینی ساختار و کالبد شهر بجنورد قاجاری

مک‌گریگر تصویری کلی و شماتیک از شهر بجنورد از سمت جبهه‌ی جنوب‌غربی کشیده است. از انطباق این نما با نقشه‌ی سه بعدی شهر بجنورد (تصویر ۲) ماهیت باغ‌شهری بجنورد و موقعیت آن نسبت به عوارض طبیعی و محیطی پیرامون و مجموعه‌ی دارالحکومه‌ی حکومتی قابل حصول است.



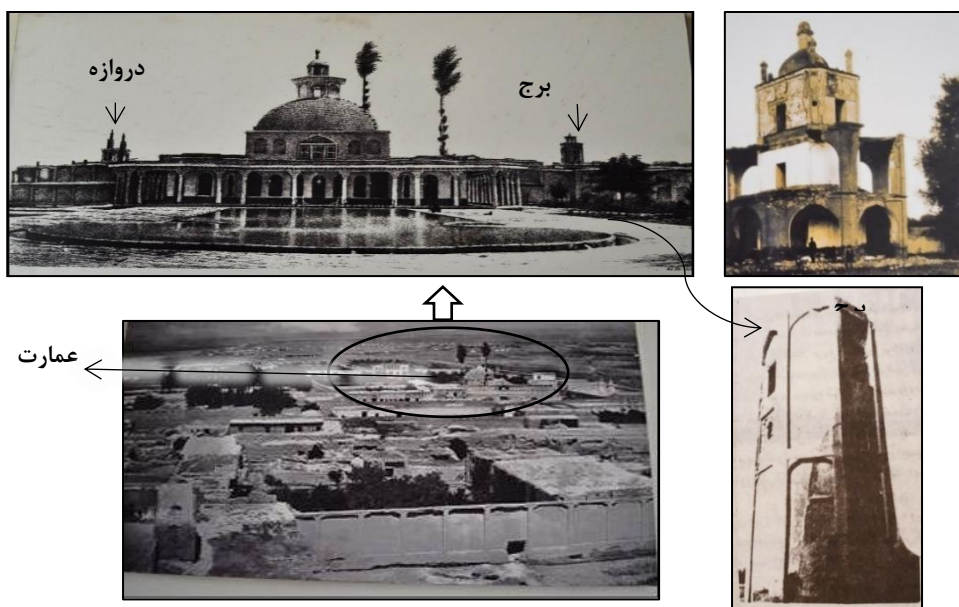
تصویر شماره ۲- انطباق نمای ترسیمی از شهر بجنورد توسط مک‌گریگر و وضع موجود شهر بجنورد

بازسازی انتزاعی شهر قاجاریه‌ی بجنورد با استفاده از عکس هوایی ۱۹۵۵م/ ۱۳۳۵ش. شناسایی عناصر اصلی شهر بجنورد را ممکن کرده است (تصویر ۳). شهر در این دوران با دروازه، خیابان، برج و دارالحکومه، عمارت‌ها، باغ، محلات و بازار شناخته می‌شده است.



تصویر شماره ۳- بازسازی انتزاعی شهر بجنورد در دوران قاجار و شناسایی عناصر شهری اصلی

تصاویر موجود از گذشته‌ی تاریخی شهر بجنورد برخی از عناصر مشخص شده در تصویر ۳ از جمله عمارت حوضخانه و کلاه فرنگی، برج منظر و دروازه‌ی مشهد را نشان می‌دهند. (تصویر ۴) این آثار به ویژه در دوره‌ی حکومت ناصرالدین‌شاه قاجار رونق داشته‌اند.



تصویر شماره ۴- عمارت کلاه فرنگی (راست)- عمارت حوضخانه، برج منظر و دروازه مشهد (چپ)

تأثیرات فرهنگی بر شکل‌گیری ساختار و کالبد

اِپلِیارد عقیده دارد ساختاردهی به شهرها این‌گونه است: با قابلیت تصور ذهنی یا تمایز صورت یک عنصر و یا قابلیت مشاهده‌ی آن‌ها وقتی مردم در شهر گردش می‌کنند و یا با نقش آن‌ها به‌عنوان قرارگاه فعالیت شخصی، محل استفاده و سایر رفتارها و نهایتاً از طریق اهمیت نقش بنا در جامعه. از سه شیوه‌ای که اِپلِیارد برای تدوین ساختار شهر و پیوند میان اجزای شهر اشاره دارد، شیوه‌ی موقعیت‌شناختی با شهر بجنورد کاملاً مصداق دارد؛ زیرا اکثر سیاحانی که شهر بجنورد را دیده‌اند و عناصر کالبدی آن را ذکر کرده‌اند در درجه‌ی اول از موقعیت دره‌ای شهر و نسبت آن با عوارض شمال شهر یاد کرده‌اند. موقعیت باغ‌ها، عمارت‌ها و ارگ حکومتی در رده‌های بعدی اشاره شده است. در شیوه‌ی موقعیت‌شناختی بر پایه‌ی احساس فرد از فاصله و جهتی که با عناصر و اجزای اصلی شهر دارد، بیشتر به عوامل محیطی توجه و بر مبنای آن موقعیت کلی عناصر شهر بسط داده می‌شود.

همسو با کاربرد مدل اپلیارد و با مطالعه‌ی تاریخ فرهنگی شهر بجنورد در دوران قاجار، این موضوع استنباط می‌شود که در دوران قاجار بجنورد به واسطه‌ی وجود «ساخت بناها و عمارات زیبا» و «باغ‌های مجلل و خوش‌منظر» مشهور بوده است. آن‌چنان‌که مک‌گریگر از آن به‌عنوان یکی از زیباترین دره‌هایی که تاکنون در ایران دیده است یاد می‌کند که باغ‌ها، منظره‌ای بدیع برای آن ایجاد کرده‌اند (مک‌گریگر، ۱۳۶۸: ۹۹). صنایع‌الدوله برای آدرس‌دهی‌ها از جهت استفاده و با توجه به کوه‌هایی که در شمال و شمال‌غرب است و عناصری چون باغ، عمارت و خیابان، شهر را توصیف می‌کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱: ق: ۱۳۳). شهرسازی شهر بجنورد بر مبنای پیوستگی فضاهای شهری و ساخت دو خیابان اصلی متقاطع که در اطراف خود اصلی‌ترین اندام‌های درون‌شهری را جای داده، شکل یافته است.

ارتباط باغ‌ها و عمارت‌های پیش‌گفته با این دو خیابان متقاطع و یک خیابان دیگر در ضلع غربی شهر (خیابان امیریه فعلی) قوت بیشتری گرفته بود. فرهنگ مردم شهر بجنورد و اقوام ساکن در آن و باغ‌های مختلف، احترام به طبیعت را القا نموده و در اطراف شهر نیز مناظر و دره‌های خوش آب‌وهوا و خوش جلوه، طبع مردم را همراهی می‌کرد. فریزر (۱۸۲۱م) در همین باره در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: «راه از میان دره‌های سبز و زیبایی می‌گذشت که به‌وسیله‌ی گردنه‌های کوچک به یکدیگر راه داشت. مناظر رنگی «رومانتیک» که انتقال تجربه‌ی آن به دیگران محال است. دره‌ی خرم و نام‌آور بجنورد باغ‌های میوه‌ی زیادی در داخل و اطراف خود داشت» (فریزر، ۱۳۶۴: ۴۰۸-۴۱۱). محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه نیز از جلگه‌ی بجنورد که اطراف آن را کوه دربرگرفته و در دامنه و وسط جلگه، قرا و مزارع متعدد واقع است، یاد کرده است و به وجود باغ ایلخانی در نیم فرسنگی شهر و باغ اندرونی که کلاه فرنگی ظریف کوچکی دارد، اشاره می‌کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۷۷-۲۷۱). حکیم‌الممالک نیز به توصیف باغ ایلخانی پرداخته (حکیم‌الممالک، ۱۳۵۶: ۳۴۷) و تأکید وی بر شرح دقیقی از باغ^۱ و عمارت-های آن نشان‌دهنده اهمیت این عنصر در ساختار شهر بجنورد است. میرزا قهرمان امین‌لشکر در تأیید اهمیت عناصر باغ، خیابان و عمارت و جلوه‌ی دره‌ای و خوش‌منظر بودن شهر بجنورد اشاره می‌کند که بجنورد جلگه‌ی باصفایی است که از خیابانی طولانی که به باغ و عمارت خان شهر می‌رسد، شکل یافته است. وی نیز شرح نسبتاً مناسبی از عمارت خان در باغ ارائه می‌دهد (امین‌لشکر، ۱۳۷۴: ۹۶-۹۷). ناصرالدین‌شاه در سفرنامه-های خود به اهمیت عناصر پیش‌گفته اشاره کرده و می‌نویسد: «تمام باغات معتبر خوب و پراشجار است... خیابان مسقیماً می‌رود تا باغی که سهام‌الدوله تازه ساخته و منزل امروز ماست... الحق عمارت و حوضخانه

۱. اشاره به باغ فواره دارد که متصل به خیابان امیریه قرار دارد (سیدی‌زاده و عباسیان، ۱۳۷۲: ۳۴).

و باغچه را سهام الدوله در کمال سلیقه ساخته است. آخر شهر برج^۱ خوبی پیدا بود...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۹۶-۱۰۹؛ ناصرالدین شاه، ۱۳۶۱: ۱۱۳-۱۳۸). کلنل ییت (Yate) به عنصر بازار و عدم اهمیت چندان آن در شهر این گونه اشاره می کند: «بازار طولی از میان آن می گذشت. در این شهر تجارت رونقی نداشت و چند مغازه ای هم که موجود بود فقط می توانست جوابگوی نیازهای محلی باشد». وی به باغ، عمارت و چشم انداز خوب آن ها اشاره می کند (ییت، ۱۳۶۵: ۱۸۰-۱۷۸). موزر (۱۸۸۶م) ضمن اشاره به ماهیت احاطه ای شهر با عوارض طبیعی از اطراف به شرحی از عمارت ها، باغ ها و خیابان های شهر می پردازد (موزر، ۱۳۵۶: ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۶). حاجی میرزا عبدالرئوف با اشاره به عمارت های خوب و عالی اضافه می کند که «خانه ها و منظره ها به طرح اروپا بنا شده اند» (حاجی میرزا عبدالرئوف، ۱۳۶۹: ۱۸۲-۱۸۱). بارنز نیز با وصفی از عوارض طبیعی پیرامون شهر می نویسد: «نقاط مزروعی حاصلخیز و زیبا به چشم می خورد».

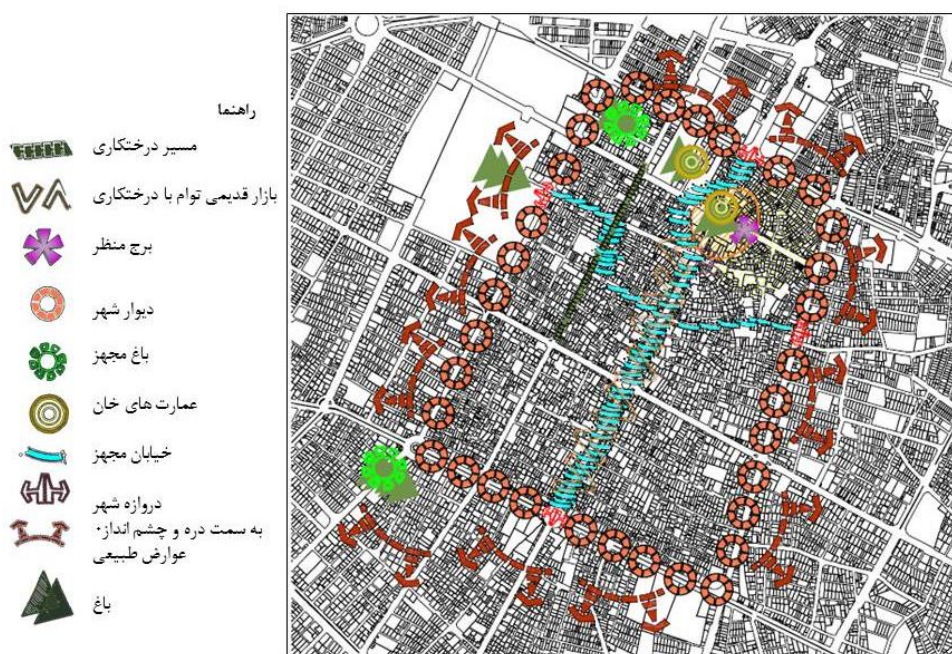
بر مبنای عامل های شناخت ساختار شهر در شیوهی موقعیت شناختی اپلیارد و نوشته های سیاحان دربارهی توصیف شهر بجنورد، عناصر بارز کالبدی شهر بجنورد قاجاریه شامل باغ ها، عمارت، خیابان، برج منظر و مناظر زیبا و به یادماندنی درون و پیرامون شهر می شود. کاربرد مکانیسم شناسایی مدل اپلیارد نشان می دهد محققان مختلف بیشتر از طریق عناصر طبیعی داخل و پیرامون شهر، قابلیت رؤیت زیاد برخی عناصر، جهات اربعه، مقیاس عنصر، جهت گیری عناصر نسبت به هم و احساس خود نسبت به فاصله ی ساختار شهر را توصیف کرده اند. توصیف ایشان با گردش در شهر، استفاده از یک عنصر و کارکرد آن و یا درجهی تمایز آن با سایر عناصر شهری بوده است. با وجود ذکر برخی مکان ها نظیر حمام، مسجد، نام محلات، بازار، کاروانسرا و موارد نظیر در وصف کلی شهر، مشاهده می شود که سیاحان بیشترین اهمیت را به ماهیت طبیعی شهر داده اند و باغ، عمارت و خیابان در نمادهای شهری بجنورد قاجاری را برجسته تر دیده اند.

مک گریرگر ضمن اشاره به احاطه شهر با کوه ها و مناظر در ابعاد و اشکال گوناگون و وصف شهر از این راه ذکر می کند: «بجنورد از آن شهرهایی است که آرزو دارم ملک شخصی ام می بود. منظره ی زیبای دشت مرا در رؤیاهای گوناگون فرو می برد» (مک گریرگر، ۱۳۶۸: ۹۹). سفرنامه ی صنیع الدوله نیز با گردش وی در شهر و بر مبنای استفاده ی او از فضاها نگاشته شده است. وی در بخشی از سفرنامه با تأکید بر تشریح عنصر باغ و خیابان اشاره دارد: «خیابان وسیع از در باغ مزبور شروع شده و تقریباً هزار و پانصد قدم امتداد یافته» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱ق: ۱۳۳). فریزر نیز ضمن اشاره به عناصر برجسته در سطح شهر، عمارت و خانه های

۱. اشاره به برج منظر دارد.

بیلاقی را تشریح کرده که مکان استقرار وی در شهر بوده است (فریزر، ۱۳۶۴: ۴۱۱-۴۰۸). اعتمادالسلطنه ضمن بیان شباهت جلگه‌ی بجنورد با جلگه‌ی کلاردشت مازندران می‌نویسد: «در نیم فرسنگی شهر باغی آراسته است که عمارات زیبا دارد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۷۱). حکیم‌الممالک نیز همین باغ را توصیف کرده و آن را واجد روح و منظری عالی دانسته است (حکیم‌الممالک، ۱۳۵۶: ۳۴۷). امین‌لشکر نیز در سفرنامه‌ی خود ضمن تشریح مفصل باغ مزبور و عمارات داخل آن و اشاره به خیابان اصلی شهر - آنجا که وصف کلی شهر را انجام می‌دهد - بجنورد را جلگه‌ای باصفا می‌خواند (امین‌لشکر، ۱۳۷۴: ۹۶-۹۷). ناصرالدین‌شاه در دو سفرنامه‌ی اصلی خود ضمن ارائه‌ی موقعیت عناصر کلیدی پیش‌گفته‌ی شهر و اشاره به باصفا بودن بجنورد و محیط بلافصل آن در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: «خیابان بسیار خوب‌یست... باغ بسیار خوب‌یست» (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۳: ۹۸). درباره‌ی بناهای داخل باغ نیز می‌گوید: «به وضع بسیار خوشی عمارت‌ها را ساخته‌اند» (همان، ۱۳۶۳: ۹۸). بیت، دیگر سیاح نیز ضمن تعبیر شهر بجنورد به دهکده‌ای بزرگ و بی‌دروپیکر، عمارت و باغ را توصیف و اذعان می‌کند چشم‌انداز خوبی از این مکان‌ها به اطراف دیده می‌شد (بیت، ۱۳۶۵: ۱۷۸). موزر همانند بیت به ویرانه‌های ارگ در مرکز شهر اشاره کرده، باغ و عمارت‌های مربوط به خان شهر را یادآور می‌شود (موزر، ۱۳۵۶: ۲۰۱).

مطابق با آنچه ارائه شد، مؤلفه کالبدی شاخص و مهم دوران قاجار در شهر بجنورد که نشانگر چیستی و هویت آن باشد، شامل باغ و عمارت مربوط به ایلخانی بجنورد (منسوب به قوم شادلو) است. در این دوره باغ و عمارت مورد توجه ویژه‌ی سیاحان، مردمان شهر و دربار قاجار قرار گرفته و همگرا با طبع طبیعت‌دوست و اهل تفریح مردمان خطه‌ی بجنورد بوده است.



تصویر شماره ۵- ساختار و کالبد شهر بجنورد دوره قاجاریه، مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۷

طبق ساختار ترسیم شده از شهر بجنورد در دوران قاجار (تصویر ۵) می توان گفت در این دوره شهر بجنورد براساس باورهای جهان بینی زمان خود دارای حصار بوده و چهار دروازه به سوی عالم داشته که یادآور جهات اربعه است. به دلیل قرارگیری شهر در موقعیت دره ای، هویت طبیعی - محیطی آن بیش از همه در سفرنامه ی سیاحان و کتاب های تاریخی ذکر شده است. بازار شهر به نسبت «باغ» و «عمارت» در رده های بعدی اهمیت عناصر کالبدی شهر قرار دارد و در فرهنگ اولیه ی اقوام ساکن ریشه ندارد و بازاریان صرفاً کالاهای روزمره را می فروختند.

نتیجه

این پژوهش با هدف بازآفرینی تصویر ذهنی از شهر قاجاری بجنورد بر اساس رویکرد تاریخ فرهنگی انجام شد. براساس نتایج پژوهش، بازآفرینی شهر بجنورد دوره قاجار از طریق عناصر کالبدی شاخص شناخته شده قابل ترسیم است. این نگاشته که با مطالعات تبیین فرهنگی شهر در دوره ی مورد بررسی انطباق دارد، نشان می دهد خیابان، عمارت و باغ بسترهای ساختاردهنده ی شهر را شکل می دهند و بنیان های هویت فرهنگی شهر را دربرمی گیرند. فرم کالبدی شهر بجنورد، ساختار کالبدی و فرهنگ شهری در تبیین مفهومی

این سه مؤلفه قابل تبیین است و از طریق ارتباط فضایی آن‌ها ساختار اصلی شهر شکل می‌یابد. در دوره‌ی قاجار شهر بجنورد قوت می‌گیرد و توسعه می‌یابد. در نتیجه، عناصر اصلی کالبدی در بجنورد دوران قاجار با نگرش تاریخ فرهنگی به این صورت شناسایی می‌شود:

۱. مرکز شهر محل تلاقی دو محور اصلی شهر است. ارگ حکومتی از محل تلاقی کمی متمایل به سمت شمال شهر بوده است. بازار اصلی شهر در همین خیابان که ارگ در امتداد آن است قرار گرفته است. جایگاه و مرکز حکومت و مقر اصلی نظامیان در شهر قاجاری بجنورد، ارگ بوده است. از نظر کالبدی، بازار به صورت خطی از راسته‌ی خیابان شهید بهشتی در مجاورت ارگ حکومتی شکل گرفته و بازار و تجارت در شهر بجنورد رونق چندانی نداشته است و چند مغازه‌ای هم که وجود داشته، فقط می‌توانسته نیازهای محلی را رفع کند.

۲. در شمال شهر مجموعه‌ی باغ ایلخانی و حاکم شهر (منسوب به قوم شادلو) و در ضلع غربی هم باغی قرار دارد. اطراف شهر هم باغ‌های خوش‌منظر وجود دارد. باغ‌های مربوط به ایلخانی در داخل شهر عمارت-های مجهز دارند که از عناصر برجسته‌ی شهر بجنورد در دوره‌ی قاجار است. باغ دلگشا، امیریه، فواره، باغ ایلخانی و... مجموعه باغ‌های شهر بجنورد هستند.

۳. محله‌های مسکونی در پیکره‌ی اصلی شهر در اطراف مرکز شهر قرار دارند. مهم‌ترین محله‌ی شهر ساربان محله است که بخشی از ارگ حکومتی و بازار را دربردارد.

۴. شهر بجنورد حصار و دروازه داشت و برج منظر در داخل ارگ حکومتی (بر روی تپه) استقرار یافته بود. ۵. اطراف حصار شهر زمین‌های کشاورزی از طریق نقشه‌های قدیمی به چشم می‌خورد. حمام‌ها و مساجد در برخی سفرنامه‌ها ذکر شده‌اند؛ لکن در حد نام باقی مانده‌اند و مکان دقیق آن‌ها با توجه به تخریب برخی از آن‌ها نیاز به مطالعه‌ی مجزای دیگری دارد.

۶. شهر بجنورد در دوره‌ی قاجار کارکرد سیاسی هم داشت و امور شهر با اراده‌ی طبقات حاکم و شیوه‌های مورد پسند آن‌ها سامان می‌یافت.

در نهایت، شهر بجنورد در دوران قاجار بیشتر مفهوم یک باغ‌شهر با عمارت‌های زیبا را دارد و مفهوم فرهنگی شهر در این دوره‌ی تاریخی با سه عنصر باغ، عمارت و خیابان تعریف می‌شود. کالبد شهر با این سه مفهوم شکل گرفته و فرم منسجمی را می‌سازد که فرهنگ شهر آن را تأیید می‌کند. مردم شهر زندگی را در رویارویی با مناظر زیبا و دره‌های خوش‌منظر تجربه می‌کنند و تلفیق و پیوندی قوی با طبیعت در این شهر به چشم می‌خورد. عناصر طبیعی ساختار اصلی شهر را در ذهن تشکیل می‌دهد و این موضوع با ساختار پیوند اجزای

شهری ایلپارد منطبق است. زندگی ارگانیک در طبیعت و در تعامل با الزامات محیطی و بستر جغرافیایی شهر سبب شیوهی ساختاردهی موقعیت‌شناختی شهر شده است. سیاحان عناصر برجسته‌ی شهر را در چنین ساختاری توصیف کرده و امکان درک مفهوم تاریخی - فرهنگی شهر بجنورد در دوران قاجار را بعد از گذشت حدود ۱۵۰ سال ممکن ساخته‌اند. این تصویر با الهام ماهیت و مفهوم فرهنگی شهر بجنورد در گذر تاریخ امکان اتصال فرهنگی و تداوم آن را در گذر زمان ممکن خواهد ساخت.

کتاب‌نامه

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، مرآه البلدان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۰۱ق)، مطلع الشمس، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- امین‌لشکر، میرزا قهرمان (۱۳۷۴)، روزنامه سفر خراسان، تهران: انتشارات اساطیر.
- انصاری‌مود، محمدحسین و معصومی، سعید (۱۳۸۹)، در جستجوی هویت شهری بجنورد، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- اهری، زهرا (تابستان ۱۳۹۴)، «شناسایی ساختار ثانویه شهر ایرانی در دوره قاجاریه»، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۲، صص ۲۳-۳۴.
- بارنز، آلکس (۱۳۶۶)، سفرنامه بارنز، ترجمه‌ی حسن سلطانی‌فر، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- بازخانه‌ای، علی (۱۳۸۳)، بجنورد مرکز جاذبه خراسان شمالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، مشهد: نشر پژوهش توس.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۴)، استراتژی‌های پژوهش اجتماعی، ترجمه‌ی هاشم آقابیک‌پوری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- بنی‌اقبال، ناهید و حیدری، آزاده (پاییز ۱۳۸۸)، «تحلیل محتوای سفرنامه‌های ترجمه‌شده‌ی سیاحان انگلیسی درباره‌ی ایران»، فصلنامه دانش‌شناسی، علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات، شماره ۶، صص ۱۱-۲۴.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۳)، سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، جلد ۳، چاپ سوم، تهران: انتشارات آرمانشهر.
- پوراحمد، احمد و پوراحمد، عطیه (بهار ۱۳۹۳)، «ساخت فضایی شهر در ایران قبل و بعد از اسلام»، فصلنامه شهر پایدار، شماره ۱، صص ۲۱-۳۶.
- پیربابایی، محمدتقی و نژادابراهیمی، احد و ابی‌زاده، سامان (پاییز ۱۳۹۶)، «مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهر اردبیل در دوره صفویه»، فصلنامه دانش شهرسازی، سال اول، شماره ۱، صص ۷۱-۸۴.
- حاجی میرزا عبدالرئوف، میرزا سراج‌الدین (۱۳۶۹)، سفرنامه تحف بخارا، تهران: انتشارات بوعلی.

حکیم‌الممالک، علینقی (۱۳۵۶)، روزنامه سفر خراسان، زیر نظر ایرج افشار، سلسله چاپ لوحی و عکسی، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.

خستو، مریم و فرح حبیب (زمستان ۱۳۹۵)، «رویکردی تحلیلی به تأثیر کالبد شهر بر فرهنگ با تأکید بر بافت شهری، مطالعه‌ی موردی شهر قزوین»، فصلنامه علمی پژوهشی شهر ایرانی - اسلامی، شماره‌ی ۲۶، صص ۳۱-۴۲.

دانش‌پور، عبدالهادی و رضازاده، راضیه و سجودی، فرزانه و محمدی، مریم (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، «بررسی کارکرد و معنای فرم شهر مدرن از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای»، نشریه علمی پژوهشی نامه معماری و شهرسازی، شماره‌ی ۱۱، صص ۷۱-۸۷.

زکی، محمدعلی (پاییز ۱۳۸۷)، «ارزش‌های فرهنگی، الگوهای اجتماعی، فاصله‌ی اجتماعی»، فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره‌ی ۱، صص ۴۲-۵۱.

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان خراسان شمالی (۱۳۹۰)، معماری خراسان شمالی، مشهد: انتشارات شاملو.

سهام‌الدوله، یارمحمدخان (۱۳۷۴)، سفرنامه‌های سهام‌الدوله بجنوردی، تهران: علمی و فرهنگی.

سهیلی، جمال‌الدین (پاییز ۱۳۹۰)، «کاوشی در طرح‌ها و تزئینات عمارت سردار مفخم»، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره‌ی ۴۵، صص ۲۸-۳۳.

سیدی‌زاده، احسان و عباسیان، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، بجنورد گذرگاه شمالی خراسان (آثار و بناهای تاریخی و مذهبی شهرستان بجنورد)، مشهد: انتشارات اردشیر.

شرف‌الدین، سیدحسین و اسماعیل چراغی کوتیانی (زمستان ۱۳۹۳)، «نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در تحولات جمعیتی»، فصلنامه علمی پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره‌ی ۲۱، صص ۵۱-۷۸.

صنّعی‌پور، حمید و فرهاد، شراره و میرزاعلی، محمد (تابستان ۱۳۹۶)، «واکاوی معماری سنتی دوره‌ی قاجار در عمارت دارالحکومه‌ی مفخم بجنورد»، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره‌ی ۲۲، شماره‌ی ۲، صص ۷۵-۸۶.

طالب‌زاده، عادل (۱۳۸۶)، «بررسی نقوش موجود در عمارت مفخم و آئینه‌خانه‌ی مفخم بجنورد و استفاده از این نقوش در معرفی و تبلیغ این شهر»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی ارتباط تصویری، دانشکده‌ی هنر، دانشگاه الزهرا (س).

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۲)، فرهنگ و شهر؛ چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری، تهران: انتشارات تپسا.

_____ (۱۳۹۳)، تاریخ فرهنگی ایران مدرن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فریزر، جیمز بیللی (۱۳۶۴)، سفرنامه‌ی فریزر، معروف به سفر زمستانی، ترجمه‌ی دکتر منوچهر امیری، تهران: انتشارات توس.

قبادیان، وحید (۱۳۸۳)، معماری در دارالخلافه‌ی ناصری (سنت و تجدد در معماری معاصر تهران)، تهران: انتشارات پشوتن.

گلزار، مجید (۱۳۹۶)، «تأثیر معماری نئوکلاسیک بر عمارت و آئینه‌خانه‌ی مفخم بجنورد»، مجموعه مقالات سومین کنفرانس ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی نوین، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.

متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۷)، خراسان شمالی: پژوهشی پیرامون تاریخ تحولات سیاسی خراسان شمالی از آغاز تا انقلاب اسلامی، مشهد: انتشارات آهنگ قلم.

مظفری، صدیقه (۱۳۸۶)، «بررسی ساختار معماری عمارت دارالحکومه مفخم بجنورد»، پایان‌نامه کاردانی مرمت و احیای بناهای تاریخی، گرگان: دانشگاه گلستان.

مک‌گریگر، کلنل سی. ام (۱۳۶۸)، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال‌غربی افغانستان، جلد ۲، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

موریس، جیمز (۱۳۸۵)، تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران. موزر، هنری (۱۳۵۶)، سفرنامه‌ی ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی)، ترجمه‌ی محمد گلین، تهران: انتشارات سمر.

مهدویان، مصطفی (بهار و تابستان ۱۳۸۷)، «عمارت مفخم»، فصلنامه تاریخ‌پژوهی، شماره‌ی ۳۴ و ۳۵، صص ۱۷۳-۱۷۵.

ناصرالدین‌شاه (۱۳۶۱)، سفرنامه‌ی خراسان به خط کلهر، تهران: انتشارات بابک.

_____ (۱۳۶۳)، سفرنامه‌ی دوم خراسان، تهران: انتشارات کاوش.

نقی‌زاده، محمد (تابستان ۱۳۸۱)، «تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی»، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۱۱، صص ۶۲-۷۶.

ییت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵)، سفرنامه‌ی خراسان و سیستان، ترجمه‌ی قدرت‌الله زعفرانلو و مهرداد رهبری، تهران: انتشارات یزدان.

Appleyard, Donald (1976), Planning a pluralistic city, Massachusetts: MIT press.

Cowan. R (2007), The Dictionary of Urbanism, illustrated by Lucinda Rogers, preface by Sir Peter Hall, Tehran: Azarakhsh Publication.

Mac Gregor. C.M (1875), Narrative of a Journey through the Province of Khorassan and of the N.W. Frontier of Afghanistan in 1875, vol2, London: Printed by Woodfall and Kinder, Milford Land.

Meyer. Samantha. B & Lunnay. Bellnda (2013), «The application of abductive and retroductive inference for the design and analysis of theory- driven sociological research», Sociological Research online, 18 (28 Feb), pp. 1-11.

Recreating the mental image of the city of Bojnourd during the Qajar period with a cultural approach

Ahad Nejad Ebrahimi¹

Atefeh Sadaqati²

Abstract:

Paying attention to the history in different periods of time and how culture affects the development of cities requires gaining knowledge about each city and its cultural continuity. During the Qajar period, the city of Bojnourd based on its cultural backgrounds has experienced specific changes affecting the structure of the city over a period of three hundred years. The present research, by adopting the "Retroductive research" strategy, seeks to find a subjective picture of the structure of the Qajarid city of Bojnurd relying on a historical-cultural approach based on all levels of society. To achieve this goal, the mental image of the city of Bojnourd during the Qajar era is based on written and historical documents. The cultural approach to the history of the city is a historical innovation and its recognition can deepen our understanding of the historical and physical evolution of the city. The Retroductive method of studies acknowledges that all social rules lie in a wider context of social processes and layers of social reality. In order to find the hypothesized model scheme for these layers, "Appleyard's" mental structure methodology -specifically the cognitive mode- has been used. Based on this method, the main elements shaping the structure of the city of Bojnourd during the Qajar era have been recreated. The findings of the research show that in the cultural description of the important Qajar urban areas, the street, mansion and garden, have been the main factors shaping the urban actions and the constructive framework of the city. Also, the garden and mansion as the cultural foundation of the Shadlou family and the tribes living in the city of Bojnurd represent the cultural identity of the city. These three components have contributed to the formation of the physical form and culture of the city.

Keywords: Bojnord, city, structure, body, Appleyard, Qajar, recreation, cultura.

¹ . Associate professor at faculty of architecture and urbanism, Tabriz Islamic Art University, writer in charge.

Ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

² . Ph.D candidate of Islamic Urban Development at Tabriz University of Art.

sedaghati@tabriziau.ac.ir